

# فرایند تاثیر گذاری عملیات روانی در عراق

جعفر انصاری فر

## درآمد

بمباران‌های وسیع و موشک‌پرانی‌های معمولی، در عملیات نظامی ایالات متحده ایجاد شود. برای جبران خلاء مزبور ارتش آمریکا بهره‌گیری از سلاح‌های بسیار دقیق و موشک‌های آدرس‌یاب به همراه بکارگیری گسترده از عملیات روانی را در دستور کار خود قرار داد که بنا به گفته بسیاری از ناظران نظامی، این امر دستاوردهای مثبتی نیز در برداشت. در واقع، سرنگونی سریع، آسان و کم تلفات حکومت صدام تنها از طریق نظامی به دست نیامد، بلکه این اقدامات روانی ارتش ایالات متحده بود که این سرنگونی را تسریع و کم هزینه نمود. برخی معتقدند پیش از شلیک حتی یک

اگرچه افکار عمومی بین‌المللی نتوانست به مثابه عاملی بازدارنده در برابر اقدامات نظامی ایالات متحده علیه عراق عمل کند؛ اما در عین حال، باعث شد که ایالات متحده در طول جنگ برخی از خواسته‌ها و دغدغه‌های افکار عمومی بین‌المللی مانند تلاش در جهت عدم کشتار غیرنظامیان، عدم به کارگیری تسلیحات انبوه، عدم انهدام زیرساخت‌های اقتصادی عراق و نیز عدم ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی را در نظر بگیرد. اقدام فوق باعث شد تا نوعی خلاء ناشی از عدم به کارگیری تسلیحات غیردقیق،

گلوله به عراق، ایالات متحده با بکارگیری عملیات پنهان و روانی، جنگ را برده بود و عراق بازنده پیشاپیش جنگ محسوب می‌شد. همان گونه که یکی از فرماندهان ارشد ارتش عراق می‌گوید:

«افسران ارشد گارد ریاست جمهوری عراق، پیش از آغاز نبرد مغلوب دسیسه‌های روانی سیاه‌شده و عوامل اطلاعاتی آمریکا به عمق نهادهای رژیم عراق نفوذ کرده بودند تا بمب‌های آمریکایی را هدایت کنند.»<sup>(۱)</sup> شواهد موجود از تسلیم شتاب‌زده نیروهای نظامی عراق و بعضاً استقبال مردمی از نیروهای آمریکایی نشان می‌دهد که عملیات روانی ایالات متحده و متحدان آن در جنگ اخیر با در نظر گرفتن ویژگی‌های جامعه شناختی و روان شناختی جامعه عراق، نسبتاً موفق بوده است. به نظر می‌رسد، کارشناسان آمریکایی درک و شناخت درستی از روحیات، آداب، رسوم و خواسته‌های مردم عراق به دست آورده بودند و آنها را در عملیات روانی خود ملحوظ کرده بودند.

### ۱. ویژگیهای جامعه عراق

جامعه عراق در مطالعات و بررسی‌های اطلاعاتی و جامعه شناختی ایالات متحده، جامعه ای خاورمیانه ای که در آن اسلام شهری حاکم است، معرفی می‌شود. مراد از اسلام شهری، اشاره به اسلام در جوامعی دارد که در آن مردم در شهرها، به ویژه شهرهای مدیترانه ای

ساکن شده‌اند. سازش‌پذیری، اجتماعی بودن، علاقه مندی به حفظ آداب و رسوم تاریخی و اجتماعی، توانایی اثر پذیرفتن از جوامع و فرهنگ‌های دیگر، سکولار بودن، سازشکار بودن و فقدان صداقت و یکرنگی، در مقایسه با جوامع بیابانی و کوهستانی از شاخصه‌های اصلی این جوامع است. جامعه عرب سنی عراق در این محدوده سیاسی و طبیعی، حیات دارد.<sup>(۲)</sup> استقرار حکومت بعثی اقتدارگرا، پس از سرنگونی رژیم پادشاهی در عراق در سال ۱۹۵۸، علاوه بر تشدید برخی ویژگی‌های گذشته جامعه عراق، از جمله نفاق و عدم یکرنگی، خصوصیات جدیدی را نیز در این جامعه باعث شد. عدم وفاداری و پیوند میان شهروندان و دولت یکی از ویژگی‌های مهم دولت‌های عربی بوده است. شهروندان در این جوامع علاقه دارند تا به حال خود رها شده و از مقاصد شرورانه دولت‌های خود به دور بمانند.

حزب بعث عراق با نگرشی جدید به مساله فوق‌الذکر، کوشید تا مردم را به صورت کارکنان و مزدوران خود درآورد.<sup>(۳)</sup> نتیجه این تلاش، تبدیل جامعه عراق به یک جامعه توده‌ای بود که در آن، اعضا به صورت مصنوعی در یک رابطه یک طرفه با قدرت حاکم ساخت‌بندی شده بودند.

در خلال سال‌های ۶۸-۱۹۵۸، توده عراقی به دلیل حاکم شدن فضای رعب و وحشت بانوعی خلاء اعتمادی مواجه شد و به ویژه پس از استقرار حکومت صدام حسین که این فضا

تشدید گردید، بحران مذکور نیز شدت گرفت. البته این جامعه توده ای پس از جنگ دوم خلیج فارس به دلیل استقرار مناطق پرواز ممنوع در شمال و جنوب عراق به مناطق مرکزی یعنی مثلث سنی نشین بغداد، موصل و کرکوک محدود شد.

## ۲. توده و حکومت فراگیر

از مهم ترین فرآورده های حکومت های توتالیته؛ واقعیتی اجتماعی به نام توده می باشد. توده جماعتی است از انسان ها که تحت شرایط خاصی و تنها تحت همین شرایط، ویژگی های جدیدی به دست می آورد که با مختصات انفرادی یکایک افراد تفاوت دارد. خود آگاه فرد در این شرایط، ناپدید و احساس و افکار توده به یک سو متوجه می شود.<sup>(۴)</sup>

توده، مستقیماً محصول چیدمان و مهندسی اجتماع حکومت توتالیتر است که بر آن ناخود آگاه اجتماعی حاکم شده است. حکومت توتالیتر برای تحقق اهداف و خواسته هایی که بر اساس آن متولد شده، جامعه را به نحوی مهندسی می کند تا اهداف در کوتاه مدت عملیاتی شود.

در یک جامعه مدرن، مسوولان حکومتی و قدرت حاکم معمولاً از مسیر نهادی به نام جامعه مدنی با مردم تحت امر خود ارتباط برقرار می کنند. جامعه مدنی، عرصه ای است که انسان نوین، به طور مشروع، منافع شخصی خود را برآورده ساخته و فردیت خود را پرورش

می دهد یا حوزه ای است که در آن افراد عاقل و مختار به طور ارادی با دیگران وارد روابط اجتماعی می شوند.<sup>(۵)</sup> نهاد مزبور، متشکل از سازمان ها و تشکل های خودجوش و غیردولتی مانند انجمن ها، سندیکاها، شوراهای فرقه ها، مطبوعات، رسانه ها است که روابط میان شهروندان و طبقه سیاسی را در قالب نظم

تعریف شده ای، سازمان می دهد و فشار هر یک را بر دیگری در مجاری خاصی تعدیل می نماید.<sup>(۶)</sup>

اولین اقدامی که یک حکومت توتالیتر پس از استقرار می کند، انهدام این موجودیت اجتماعی و حلقه واسط میان مردم و دولت است. حکومت فراگیر، خود تلاش می کند تا با حذف این حلقه، با متن توده ارتباط برقرار کرده و آنان را در جهت تحقق اهداف و منافع خود بسیج کند.

فقدان جامعه مدنی در جوامع توده ای، خلایی را ایجاد می کند که جامعه را در درازمدت دچار اختلال و ناهنجاری می کند؛ از این رو حکومت با عناصر جانشین این فقدان را پوشش می دهد. به این ترتیب، حکومت توتالیتر از طریق تولید و ایجاد سازوکارهای ذیل، جامعه را مهندسی می کند:

الف- تولید و ترویج یک ایدئولوژی مشترک؛

ب- ایجاد یک حزب واحد فراگیر؛

ج- نظارت انحصاری بر تمام ابزار و وسایل نظامی؛

د- نظارت انحصاری بر تمام وسایل ارتباط جمعی؛

ه- برقراری یک سیستم کنترل پلیسی و تروریستی.<sup>(۷)</sup>

از رهگذار جانشینی عناصر فوق بر جامعه، اجتماع متنوع و متکثر از حیث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به یک جامعه یکدست حداقل در ظاهر، تبدیل می‌شود. ایدئولوژی مشترک، حزب واحد، نظارت بر ابزار و وسایل نظامی و ارتباطی، پروسه مزبور را تسریع کرده و سیستم پلیسی و تروریستی، مقاومت‌های مدنی در برابر یکسان‌سازی فرهنگی و سیاسی را درهم می‌شکند.

بدین سان، فرد متعلق به یک گروه اجتماعی، سیاسی خاص، مستقیماً مخاطب اقدامات قدرت حاکم قرار می‌گیرد. خودآگاهی فرد، انگیزه‌ها و نگرش‌های متفاوت وی در مواجهه با ایدئولوژی و سیستم پلیسی، توان مقاومت خود را از دست داده و فرد برای حضور در توده، آنها را به ناخودآگاه اجتماعی کوچ می‌دهد.

ایدئولوژی مشترک به عنوان منبع فکری و الهام‌دهنده رهبران و توده با تفاسیری که از شرایط و مسایل گوناگون در اختیار مصرف‌کنندگان خود قرار می‌دهد، نوعی حاکمیت تفکر قالبی را در جامعه باعث می‌شود. تفکر مزبور توده را در جهت‌گیری و اعلام مواضع، نسبت به رویدادهای متفاوت، یاری می‌رساند.

ایدئولوژی مشترک با عرضه و تفسیری واحد از کل امور، اراده فرد را برای اجبار درونی خود بسیج می‌کند.<sup>(۸)</sup> در جامعه توده‌ای، فردیت، انگیزه، نگرش شخصی و افکار متفاوت

اجتماعی، جای خود را به القابذیری توده‌ای، اضطراب فردی و جمعی و بحران هویت می‌دهد. در جامعه توده‌ای شبکه همبستگی و فضای روابط نزدیک تضعیف گشته و به جای آن شبکه‌ای از ارتباطات توده‌ای دوردور برقرار می‌گردد.<sup>(۹)</sup>

حزب واحد نیز با نفی تنوع و تکثر در فضای عملی سیاست‌ورزی، فعالیت‌های اجتماعی و بیشتر سیاسی توده و نیز روابط غالباً یک طرفه آنها را با هیات حاکمه و رهبران، سازماندهی می‌کند. حزب واحد در واقع، نمود بیرونی و سخت‌افزاری ایدئولوژی حاکم می‌باشد.

حکومت توتالیتر تنها با تکیه بر ایدئولوژی و حزب واحد نمی‌تواند جامعه مدنی و روابط سیاسی و اجتماعی موجود را منهدم کند. پس برای ساخت‌بندی مجدد جامعه، باید علاوه بر ترویج ایدئولوژی و حاکم کردن حزب واحد، مراجع فکری و روابط سیاسی و اجتماعی جامعه قبل را ویران کرد که این اقدام به معنی به کارگیری درجه‌ای از خشونت، حتی خشونت عریان می‌باشد.

به این ترتیب، حکومت فراگیر از طریق ترور و ایدئولوژی، جامعه مدنی را درهم می‌شکند و شرایط جامعه توده‌ای را تحکیم می‌کند. یکی از طریق ویران کردن روابط میان انسان‌ها و دیگری از طریق انهدام روابط ادراک انسان با واقعیت، ایدئولوژی و ترور، فضای جامعه مدنی را از بین برده و همه مردم را همسان می‌سازد. جامعه توده‌ای فاقد هرگونه تنوع و چندگونگی است.<sup>(۱۰)</sup>

نتیجه چنین اقداماتی از میان رفتن تنوع و تکثر عقیدتی، سیاسی و حتی فرهنگی، اجتماعی در جامعه مزبور است که نهایتاً به رفتار توده ای می انجامد، رفتاری که به قول لوبون: «ناخودآگاه و ناشی از تحریک های اتفاقی» است.

## ۲. جامعه توده ای عراق

با آنکه برخی معتقدند تمام ویژگی های جامعه توتالیتیر که در سطور فوق به آن اشاره شد، به صورت یکجا در هیچ یک از حکومت های اتوکراسی شناخته شده، موجود نیست. ولی بررسی جامعه عراق به ویژه پس از تثبیت حکومت بعثی صدام حسین، نشان می دهد به نحوی از انحاء پنج ویژگی جوامع فراگیر هر چند با غلظت های متفاوت، در این جامعه موجود بوده است. ایدئولوژی مشترک، حزب واحد، نظارت بر ابزارهای نظامی و وسایل ارتباط جمعی و حاکمیت سیستم پلیسی و تروریسم دولتی، مسایلی است که همگان به آن اذعان دارند.

ایدئولوژی مشترک یعنی بعثیسم، بخش نرم افزاری حکومت توتالیتیر عراق را تشکیل می داده است. مرام بعث به عنوان ایدئولوژی حاکم، ذهن عراقی ها را در خلال سال های حاکمیت بعثی ها به عراق شکل داده بود. ایدئولوژی مزبور از اندیشه های یک فرد مسیحی سوری به نام میشل عفلق ناشی می شد. وی معتقد بود براساس آموزه های این ایدئولوژی، اعراب باید یک امت واحد را تشکیل دهند.

بر این اساس، آرمان ایدئولوژی بعثی اعتقاد به واحد بودن اعراب و سازماندهی آنان در قالب یک حکومت بوده است. در راستای دولتی کردن صنایع و تمرکز فعالیت های اصلی تولیدی در دست دولت است. سوسیالیسم بعثی اعتقاد به سیادت اعراب و قوم عرب به دیگران، معنی می شود. از آزادی در مرام، مزبور سرنگون کردن کشورهای عربی و غیر عربی و جدا کردن مناطق عرب نشین آن، تعبیر می شود.<sup>(۱)</sup>

به جز ایدئولوژی بعث، حزب بعث نیز به عنوان حامل ایدئولوژی تلاش می کرد تا روابط شهروندان و قدرت حاکم را به صورت یک طرفه تنظیم کند. حزب بعث که نام دیگر آن «حزب رستاخیز سوسیالیست عربی» است، در ۱۹۴۳ توسط میشل عفلق و با همکاری یکی از مقامات عالیرتبه رژیم سابق سوری با نام صلاح الدین بیطار بر سه پایه سوسیالیسم، آزادی و اتحاد بنیاد گذاشته شد. حزب دارای دو سطح بود، یکی سطح شورای ملی که به امور وطن عربی رسیدگی می کرد و دیگری سطح شورای منطقه که در هر کشور عربی که حزب پایگاه داشت، فعالیت می کرد. در سال ۱۹۶۴ با پیشنهاد میشل عفلق، صدام حسین رئیس فرماندهی منطقه شاخه عراقی حزب بعث شد و در ژوئن ۱۹۷۹ با رییس جمهور شدن صدام حسین، فعالیت های این حزب شدت گرفت.

حزب بعث با ترویج اندیشه و مرام بعثی، تمام سازمان های سیاسی، اجتماعی و مدنی را به نفع خود منهدم کرد. به نحوی که تا فروپاشی

حکومت صدام در سال ۲۰۰۳ هیچ حزبی اجازه فعالیت رسمی در عراق را نداشت و احزاب دیگر اپوزیسیون سازماندهی شده رژیم بعث محسوب می شدند که در خارج از عراق فعالیت می کردند. حزب الدعوه، مجلس اعلاى اسلامى از جمله این احزاب بودند که در عراق صدام حسین اجازه فعالیتى نداشته و تنها پس از فروپاشی این رژیم به فضای سیاسی عراق بازگشتند.

از آنجا که رژیم فراگیر بعثی خود ماهیتی نظامی داشت، بالطبع، انحصار و تسلط مطلقى بر تجهیزات، ارتش و سلسله مراتب فرماندهی، اعمال می کرد. کنترل مطلق بر ارتش و تشکیلات امنیتی به صورت کامل در اختیار شخص فرمانده بوده و تمام تحرکات و فعالیت های آنها با نظر وی انجام می شد.

هم چنین حکومت مزبور از حیث گستره و اقدامات امنیتی در زمره خشن ترین و کثیف ترین نظام های موجود در جهان قرار می گرفت.<sup>(۱۲)</sup> تعدد سرویس های اطلاعاتی و امنیتی با نام هایی چون استخبارات، مخابرات، امن العام و امن الخاص و پلیسی خشن که کمترین مقاومتی را در برابر شکل بندی جامعه توده وار بعثی درهم شکسته و امکان هرگونه ابراز عقیده مخالف را از اعضای جامعه سلب کرده بود به علاوه جنایات بی حد و حصر رژیم و تروریزم دولتی نشان می داد که رژیم توتالیتر بعثی با تاکید بر حکومت صدام، مشخصه فوق ذکر را به صورت کامل داشته است. کشف گورهای دسته جمعی، انتشار

تصاویر و اسنادی از شکنجه و اعدام مخالفان، نشانگر وجود حاکمیت سیستم تروریزم دولتی و کنترل شدید شهروندان عراقی بوده است.

علاوه بر این، حکومت، مطبوعات و رسانه های گروهی را به شدت کنترل می کرد. سیستم امنیتی حکومت، اجازه درج و انتشار هیچ گونه اخبار و مطالب مخالف را به مطبوعات و رسانه ها نمی داد. اخبار و مطالبی می توانستند از فیلتر سانسور شدید حکومتی عبور کنند که سیستم امنیتی آن را مفید تشخیص می داد یا اخبار و مطالبی که توسط خود حکومت تولید و در اختیار آنها قرار می گرفت. همچنین کنترل شدید بر ابزارهای گیرنده پیام در عراق نیز تقریباً امری غیر ممکن بود و در صورت بهره گیری، مجازات سنگینی دربرداشت. مثلاً دارنده تلفن ماهواره ای در عراق با مجازات مرگ مواجه بود. حتی در این سیستم مخوف، از پخش اخبار به صورت دهان به دهان و شایعه جلوگیری می شد. به نحوی که مردم در فضای عمومی، از ترس عوامل پنهان سازمان های اطلاعاتی، اخبار و عقاید خود را سانسور می کردند. به گفته سمیر خلیل:

«یکی از اصلی ترین علل بقای رژیم (تائیش از حمله آمریکا) قابلیت آن در جلوگیری از نقل اخبار شایعه ها بوده است؛ زیرا تنها راه معنی دار شدن رویدادهای سیاسی نقل اخبار و شایعه ها به صورت شفاهی، چاپی و از طریق روزنامه ها با رسانه های دیگر است. بدون اخبار و شایعات، یک رخداد در

حافظه جمعی قرار نمی گیرد. (۱۳)»

در مورد مسایل حکومتی و اطلاعات سیاسی و نظامی این مساله ابعاد گسترده تری داشت به نحوی که کارمندان نهادهای نظامی و امنیتی و حتی دولتی بر اساس مخاطب شناسی حزبی آموخته بودند که چه سطحی از اطلاعات و اخبار را به لایه های اقشار اجتماعی و توده ها منتقل کنند، لذا نوعی اطلاع رسانی محدود رفتار مردم را شکل می داد، به طوری که تا پیش از آغاز جنگ، بخش عمده ای از مردم، بیشتر تحت تاثیر مسابقات ورزشی و فیلم های سینمایی و مناسبات قومی بودند تا مسایل مربوط به جنگ و مقاومت. (۱۴)

این امر در نهایت به غلبه روحیه نفاق و دورویی در جامعه عراق انجامید. به گفته سمیر خلیل: «ریا و تظاهر و استفاده از صورتک در کارگاه، محل کار، اداره، برخورد با مقامات، همسایگان و حتی خانواده به قدری شایع بود که تمایز میان اصل و صورت را مخدوش کرد. آدم عراقی مانند حلزون در صدف خود با این شخصیت های چند لایه شکل گرفته بود.» (۱۵)

نتیجه حاکمیت توتالیتریزم بعثی بر جامعه عراق به ویژه در دوران صدام، تبدیل جامعه متکثر عراق به یک جامعه ظاهراً واحد بود. بعثیزم عراقی به منظور از بین بردن هر نوع تهدید علیه اقتدار بی چون و چرای خود با اضمحلال فردیت اعضای جامعه و با در دستور کار قرار دادن سیاست توده ای به استحاله طبقات پرداخت. نتیجه اقدامات مذکور به منزوی کردن جامعه عراق از جهان پیرامون انجامید. در این جامعه ایزوله، افراد با سرکوب خواسته ها و غرایز خود آگاه، آنها را به ناخود آگاه اجتماعی یا جهان خیالی بعثیزم رجعت می دادند. در عراق، احساس فردیت از دست رفته بود و پیوستن به جامعه توده ای یکی از شیوه های موثر دفاع از خود در عراق بعثی به شمار می آمد. شخص باید هویت خود را به قدرت حاکم پیوند می زد، در

هر چند توتالیتریزم حاکم بر عراق صدام حسین از شدت زیادی برخوردار بود، اما همان گونه که در فصول پیشین گفته شد، هر اندازه از جذابیت اهدافی که توده بر اساس آن شکل گرفته شده بود کاسته شود، به همان اندازه از شدت خصلت توده ای و تعدد کمی آن کاسته خواهد شد. ایدئولوژی بعث با اهداف بلندی چون اتحاد ممالک عربی، سوسیالیزم و آزادی، افق های روشنی را برای توده تحت انقیاد خود ترسیم می کرد، اما گذشت زمان و رویدادهای مختلف که به کاهش جذابیت ایدئولوژی مزبور منجر شد، شدت و غلظت توده ای بودن جامعه عراق را حتی در مثلث سنی نشین کاهش داد.

بهشت موعود بعثیزم با نبردی هشت ساله با ایران، تهاجم به کویت، عقب نشینی از آن، ایجاد مناطق پرواز ممنوع و تحریم های اقتصادی،

سیاسی و تکنولوژیک به توده اهلی شده فهماند که آرمان‌هایی که به واسطه آنها بسیج می‌شدند، امکان تحقق را نداشته و هر روز که می‌گذرد بر دامنه تبعات منفی آن افزوده می‌شود؛ اما با این حال، توده عراقی با مشخصات ذکر شده تا آغاز جنگ سوم خلیج فارس، موجودیتی واقعی داشت؛ زیرا هر چند محورهای جذابیت بخش ایدئولوژی مزبور کمرنگ شده بود، اما در عین حال به همان اندازه هراس از قوای قاهره حکومت افزایش یافته بود. به طوری که ترس به مثابه جزئی از ساختمان روانی شهروندان عراقی، اندام‌های بدنه سیاسی عجیب و غریب

یا سیاه بودن را تعیین می‌نماید. پس از انتخاب پیام در دومین مرحله، ابزارهای ضروری اعمال قدرت شامل ابزارهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی ترسیم می‌گردد. برای آن که محصولات عملیات روانی در اذهان و ابدان مخاطبان، تاثیرات لازم را موجب شود، باید مراحل طی شده و شرایطی کسب شود. این مدل در مورد عملیات روانی نیروهای ائتلاف علیه عراق به نحوی از انحاء صادق است که به آن اشاره می‌شود.

### ۳-۱. فرستنده

برخی ویژگی‌ها در منبع پیام، در تاثیرگذاری و مقبولیت آن نزد مخاطب اثر دارد، شباهت، پرستیژ، جذابیت، تخصص و اعتماد از جمله این خصیصه‌هاست.

شباهت منبع پیام با مخاطبان از ویژگی‌هایی است که قدرت متقاعدکنندگی منبع پیام را افزایش می‌دهد. مخاطبان وقتی احساس کنند منبع پیام از حیث نژاد، زبان و فرهنگ شبیه آنها می‌باشد، تمایل بیشتری به تاثیرپذیری می‌یابند.<sup>(۱۷)</sup> در مورد منبع پیام تا پیش از آغاز عملیات نظامی، ایالات متحده از این مسیر اقداماتی را تدارک دیده بود. به این معنی که ایستگاه‌های رادیویی که برای عراق برنامه پخش می‌کردند، به مثابه منابع خاکستری و سیاه عمل کرده و با مخفی کردن یا جعل هویت خویش با بهره‌گیری از گویندگان عرب و برنامه‌هایی که بر اساس فرهنگ و سنت‌های عراقی تهیه شده

عراق را به یکدیگر متصل می‌کرد.<sup>(۱۶)</sup> وحشت مزبور باعث می‌شد تا فرد نه برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیک بلکه به منظور گریز از تبعات منفی مخالفت و عدم همراهی، با جمع همسازی کرده و از تلقین‌های جمعی صادره از نهاد قدرت اطاعت کند.

### ۳-۲. چرخه متقاعدسازی

پنج عامل فرستنده، پیام، مخاطب، زمینه و محیط دریافت پیام به علاوه وسیله ارتباطی عناصر مدل متقاعدسازی را تشکیل می‌دهند. نحوه کار این مدل به این صورت است که فرستنده یا منبع پیام ابتدا هدف یا اهداف خود را گزینش می‌نماید در عین حال نیز نتیجه مورد نظری را که می‌خواهد به دست بیاورد، مشخص می‌کند. سپس گیرنده یا مخاطب پیام را مورد شناسایی قرار داده و آن‌گاه پیام و شکل آن را از حیث سفید، خاکستری



بودند، بر روی مردم عراق کار روانی می کردند؛ اما هنگامی که عملیات روانی رسمی آغاز شد، منبع پیام که تا آن روز به صورت رسمی و مشخص آشکار نبود، هویت واقعی اش را نشان داد.

منبع پیام یعنی ایالات متحده بعد از این تاریخ مشخص شد. تراکت های پخش شده مشخصاً از جانب نیروهای ائتلاف پیام می دادند. اگر چه منبع پیام شباهتی به مخاطبان خود نداشت، اما تلاش شده بود تا این نقص با بکارگیری برنامه هایی که فرهنگ و حساسیت های عربی را لحاظ شده بود، جبران کنند. همچنین در اعلامیه های تبلیغاتی، تصاویر و نقوش مرتبط با فرهنگ عراق در نظر گرفته شده بود. از جهاتی دیگر منبع پیام با داشتن ویژگی هایی چون پرستیژ ابرقدرت بین المللی بودن بر مقبولیت خود افزوده بود. از این حیث یک فرستنده پیام نیرومند که در توانایی نظامی اش نمی شد تشکیک کرد، منبع قوی و قاطعی محسوب می شد و این امری بود که عراقی ها به آن واقف بودند.

اگر چه حکومت عراق تلاش کرده بود تا با ارائه چهره ای کریمه از ایالات متحده آن را ضعیف جلوه دهد، اما پرستیژ، قدرت و قاطعیتی که بخصوص دولت بوش در برخورد با افغانستان نشان داده بود، پذیرش فرستنده را در حد بالایی قرار داده بود.

### ۲-۳. محتوای پیام

بررسی محتوای اعلامیه های تبلیغاتی و برخی پیام ها و برنامه های رادیویی و بعضاً تلویزیونی در جنگ اخیر نشان می دهد که عملیات روانی مزبور بر پیام هایی استوار بوده که بر نوعی منطق القای بیم و امید طراحی شده بود.

پیام های ارسالی ایالات متحده به محیط روانی عراق با ایجاد هیجان در افراد تلاش می کرد تا ایده ها و هدف نهایی یعنی عدم مبارزه و تسلیم شدن را به مخاطبان القا کند. مکانیزم بیم و امید در مورد تبعات مقاومت و نیز پاداش هایی که به همراهان با ایالات متحده وعده داده می شد، قابل تحلیل است. روان شناسان اجتماعی با درجه بندی کردن ترس معتقدند نوعی ترس، یکی از سازوکارهای موثر در مجاب ساختن دیگران است. جنسیس می گوید:

«تاثیر ترس متوسط، مثلاً جهت برانگیختن مردم به مسواک زدن منظم دندان ها بیش از ترس شدید و ضعیف است. ترس شدید بر مخاطبان بیشتری تاثیر می گذارد که دارای عزت نفس باشند، در حالی که افراد دارای عزت نفس پایین، عمدتاً با محرک های دارای شدت متوسط برانگیخته می شوند و ترس شدید زمانی قدرت قانع کنندگی بیشتری پیدا می کند که راه مطمئن و معتبری در اختیار شنونده قرار دهد؛ در غیر این صورت شنونده وحشت زده ترجیح می دهد که از پیام مزبور بگذرد.»<sup>(۱۸)</sup>

پیام های هراس انگیز ایالات متحده، در واقع نوعی هراس انگیزی شدید بود؛ زیرا عواقب متفاوت راه، مرگ و نیستی توسط نیروهای

ائتلاف، عنوان کرده بود. تجربه جنگ پیشین و نبرد با افغان‌ها، مخاطبان عملیات روانی را مجاب کرده بود که پیام‌های مزبور به هیچ وجه غیرواقعی نیستند؛ همچنان که در روزهای نخست نبرد، نیروهای ائتلاف در عمل، این پیام‌ها را محقق کردند.

### ۳-۳. وسایل ارتباطی

روان‌شناسان اجتماعی، عنایت خاصی به وسایل و ابزارهای ارتباطی و پیام‌رسان در چرخه متقاعدسازی دارد. حتی به ارتباط وثیقی میان محتوای پیام و نوع رسانه نیز قائل هستند. بر این اساس، وقتی پیام ساده باشد رسانه‌های دیداری بیش از رسانه‌های شنیداری و نوشتاری قادرند بر مخاطبان تاثیر بگذارند؛ در حالی که وقتی ادراک پیام دشوار باشد، برنامه‌های نوشتاری موثرتر است.

در عملیات روانی نیروهای ائتلاف، وسایل ارتباطی که پیام‌های روانی نیروهای ائتلاف را به مخاطبان منتقل می‌کردند، طیف وسیعی از رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری را شامل می‌شد.

با این که محتوای پیام‌های روانی اکثراً ساده بودند، اما گسترده‌ترین رسانه‌ای که در این نبرد به کار گرفته شد، تراکت‌ها و اعلامیه‌های تبلیغاتی بودند که توسط هواپیماها یا توپخانه در میان مخاطبان پخش می‌شدند.<sup>(۲۰)</sup>

در گذشته، محتوای اعلامیه‌های تبلیغاتی را نوشته‌های بلند و کوتاه تشکیل می‌داد، اما براساس تئوری فوق پیام‌های ساده، سنخیتی با

از این رو، ترس مزبور مخاطبان را برای انفعال و تلقین‌پذیری آماده کرد. همان‌طور که تحقیقات شوارترز نشان می‌دهد انسان‌ها به هنگام ترس تلقین‌پذیر می‌شوند. نظامیان و وفاداران صدام با درک محتوای پیام‌ها در طول نبرد منفعل‌تر و تلقین‌پذیرتر شدند. چنانچه شدت جنگ این فرآیند را تشدید می‌کرد.

فریدمن می‌گوید:

«تاثیر پیام‌هایی که به دنبال بمباران‌های هوایی ارسال می‌شوند، از پیام‌هایی که در شرایط عادی عرضه می‌شود، بیشتر است. در زمان جنگ، پیام‌هایی که امنیت و آرامش و زندگی بهتر در شرایط خاص را وعده می‌دهند و امید به بقا را در مخاطبان زنده می‌کنند، نگرش مساعدی را نسبت به عواملان جنگ روانی ایجاد می‌کند.»<sup>(۱۹)</sup>

به جز ترس و مکانیزم هراس انگیز، پیام‌های ارسالی ایالات متحده پس از تولید هراس، عمل‌کنندگان به دستورات را به پاداش‌هایی در آینده حواله می‌کرد. این پاداش‌ها با تاکید بر انگیزه‌های اولیه و ثانویه مانند حفظ حیات و زنده ماندن در صورت عدم مقاومت و نیز برخورداری از یک زندگی آرام و مرفه در عراق

رسانه‌های نوشتاری ندارند، پس با توجه به این که ارسال پیام‌های تصویری در محیط عراق که مخاطبان آن به ویژه نظامیان که از داشتن گیرنده محروم بودند، ممکن نبود. بنابراین نقص تراکت‌های نوشتاری یا تبدیل آن به یک رسانه دو وجهی رفع شد. بهره‌گیری از زبان تصویر آن هم با گرافیک و تصاویر شفاف و واضح به همراه پیام‌های ساده‌ای به زبان‌های عربی و انگلیسی، مشکل مزبور را رفع کرد.

پیام‌های شنیداری نیز در عملیات اخیر گستردگی زیادی نداشت زیرا به دلیل گرانی رادیو، بسیاری از داشتن آن محروم بودند و مساله دیگر زمان پخش برنامه‌های رادیویی بود که در شب هنگام پخش می‌شد، در حالی که مردم عراق در شب از خانه خارج می‌شدند و به برنامه‌های رادیویی گوش نمی‌دادند.<sup>(۳۱)</sup>

به این ترتیب می‌توان گستره بهره‌گیری از رسانه پیام رسان را در جنگ عراق، تراکت، شایعه، رادیو، تلویزیون و پیام‌های کوتاه تلفنی و اینترنتی را عنوان کرد.

### ۳-۴. مخاطب، گیرندگان پیام

از یک منظر می‌توان مخاطبان عملیات روانی در این جنگ به وفاداران صدام و بی‌تفاوتان تقسیم کرد که آنها نیز به نوبه خود به نظامیان و غیرنظامیان تقسیم می‌شوند. نظامیان به عنوان بزرگ‌ترین هدف جنگ روانی نیروهای ائتلاف، شامل فرماندهان، افسران ارشد، نیروهای گارد و سربازان عادی بودند که میزان وابستگی آنان به

رژیم بعثی درجات مختلفی داشت. مثلاً می‌شود گفت، یک فرمانده گارد ریاست جمهوری احتمالاً از وابستگی عقیدتی و سیاسی بیشتری نسبت به همتای خود در نیروی زمینی داشت؛ اما با این حال نمی‌شود معیار وفاداری را تنها در چیدمان افراد در پست‌های حکومتی دانست؛ زیرا در برخی موارد، در جنگ اخیر نشان داد که بعضاً مقاومت سربازان و نیروهای عادی بیشتر از نیروهای گارد ریاست جمهوری بود که پس از قطع تماس با فرماندهی، سریعاً از مقاومت منصرف شدند.

از غیرنظامی‌ها نیز به عنوان دیگر هدف نیروهای ائتلاف، خواسته می‌شد تا از ورود به جنگ اجتناب کرده و یا به نیروهای آمریکایی کمک کنند.

### ۳-۵. شرایط دریافت پیام

جامعه توده‌ای عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس و آغاز تحریم‌های اقتصادی و سیاسی غرب، به شدت در ضعف و فترت به سر می‌برد. فقر، سوء تغذیه، شیوع بیماری‌های واگیردار و مسایلی از این دست، مشکلاتی را پدید آورد که عراق را که در دهه هشتاد سویس خاورمیانه می‌نامیدند، به کشوری عقب افتاده و فقیر تبدیل کرد. به علاوه تداوم حکومت سرکوبگر بعثی یا به عبارتی تداوم حاکمیت جمهوری وحشت که زوایای زندگی اشخاص را نیز می‌کاوید، فقدان هویت، عدم مشروعیت بین‌المللی و عدم مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، به دامنه

این مشکلات می‌افزود.

توده‌ای بودن جامعه عراقی کاست.

سیستم نظامی عراق هم که یکی از قوی‌ترین و کارآمدهای نیروهای نظامی در خاورمیانه محسوب می‌شد، به علت آسیب‌های جدی از جنگ با ایران و ایالات متحده و عدم ترمیم آن به دلیل تداوم بحران‌ها به یک ارتش ضعیف مبدل شده بود. ارتش مزبور به شدت با کمبود امکانات تکنولوژیک، تدارکات و تسلیحات پیشرفته مواجه بود و سربازان حتی از حیث تغذیه نیز در شرایط دشواری قرار داشتند.

در این شرایط و در هنگامی که یک ارتش بین‌المللی قدرتمند با تجهیزات و امکانات کافی که بنا به گفته کارشناسان نظامی توازن منفی یک به صد را تشکیل می‌داد. (۳۳) به علاوه شدت بمباران‌ها و موشک‌پرانی‌های دقیق، شرایط روانی را برای مخاطبان در جهت پذیرش پیام‌های عملیات روانی، ایجاد و تثبیت می‌کرد.

۱. وفاداران به صدام؛  
۲. بی‌تفاوتان به حکومت.  
انگیزه‌هایی که وفاداران به صدام را به تداوم حمایت از رژیم بعثی وا می‌داشت، علاوه بر انگیزه‌های اولیه، این مساله بود که تمام ارکان زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان به نحوی از انحاء به بقای حکومت صدام وابسته بود. آنان در ذیل حکومت صدام و تنها در قبال اطاعت محض از کادر رهبری و شخص صدام، از ثروت، امنیت، آزادی عمل نسبت به زیردستان و بهره‌گیری از مواهب حضور در جمع برخوردار بودند.

۴. تحول در رفتارهای جمعی  
در حکومت‌های فراگیر، انگیزه‌های اولیه و بسیاری از انگیزه‌های ثانویه به نفع قدرت و ایدئولوژی حاکم مهندسی می‌شوند. حکومت بعثی عراق نیز با دستکاری در انگیزه‌ها، نگرش و افکار عمومی افراد تحت سلطه خود، رفتارهای جمعی بسیاری از آنان را که در قالب توده درآمده بودند را در راستای منافع و اهداف خود شکل داده بود، اما همان‌طور که گفته شد، گذر زمان و ناکامی‌های بسیار در عرصه عمل، عدم تحقق آرمان‌های قوام‌بخش توده، از شدت

رفتار بی‌تفاوتان را نیز بیشتر انگیزه‌های اولیه یعنی حفظ حیات و ترس از مجازات هدایت می‌کرد. آنان با توجه به سرکوبگری حکومت، خودآگاهی خود را به صورت خودانگیخته به ناخودآگاه اجتماعی رجعت داده بودند؛ ولی در ظاهر از فرمان‌های رهبران خود اطاعت کرده و از مواهب اندکی نیز برخوردار می‌شدند.

گروه بی‌اعتنا یا کمتر وفادار به حکومت بعثی وقتی تحت تاثیر عملیات روانی نیروهای ائتلاف متقاعد شد که حکومت صدام رفتنی است و نظام بین‌الملل تصمیم دارد تا صدام را حذف کند؛ لذا از همان ابتدای آغاز عملیات نظامی از مقاومت و همراهی با وفاداران صدام سر باز زدند. تسلیم‌های دسته جمعی سربازان عراقی در روزهای اول شاهدهی بر این مدعاست. (۲۴)

گروه وفادار نیز وقتی در روزهای نخست عملیات نظامی فهمید تبعات منفی مقاومت، مرگ و نابودی است. با تحت الشعاع قرار گرفتن انگیزه‌های ثانویه به نفع انگیزه حفظ جان، برای بقا از مقاومت دست کشیدند.

گروهی دیگر که زیرگروه وفاداران به صدام را تشکیل می‌داد، تحت تاثیر القای حزب، از انگیزه‌های اولیه را به نفع انگیزه‌های ثانویه دست کشیده و قصد داشتند تا پای جان مقاومت کنند، اما مکانیزم روانی جداسازی از توده، آنان را نیز در حالت انفعال و بلا تکلیفی قرار داده و در نتیجه در تداوم مقاومت مردد شدند.

ایالات متحده نیز با استفاده از این فرصت، عملیات نظامی را سرعت بخشید. هنگامی که بر اثر عملیات روانی نیروهای ائتلاف و شدت عملیات نظامی، انگیزه‌های توده عراقی دستخوش دگرگونی قرار گرفت، به ترتیب، نگرش‌ها و افکار آنان نیز متحول گردید. تحول در افکار و در نتیجه در رفتارهای جمعی به ویژه در اواسط جنگ به قدری شایع شد که در روز

سوال	عرب سنی	عرب شیعه	کرد
آیا تهاجم صحیح بود یا نادرست؟			
صحیح	۲۴ درصد	۵۱ درصد	۸۷ درصد
نادرست	۶۳ درصد	۳۵ درصد	۹ درصد
عراق آزاد شد یا سرافکنده؟			
سرافکنده	۶۶ درصد	۳۷ درصد	۱۱ درصد
آزاد	۲۱ درصد	۴۳ درصد	۸۲ درصد
نیروهای ائتلاف باید هم اکنون عراق را ترک کنند؟			
آری	۲۹ درصد	۱۲ درصد	۲ درصد
سیستم سیاسی مورد نظر شما			
دموکراسی	۳۵ درصد	۴۰ درصد	۷۰ درصد
رهبر قوی برای زندگی	۳۵ درصد	۲۳ درصد	۶ درصد
حکومت اسلامی	۱۵ درصد	۲۶ درصد	۸ درصد
سیستم سیاسی مورد نظر شما			
رهبر قوی مفرد	۴۹ درصد	۳۲ درصد	۱۶ درصد
دموکراسی	۳۱ درصد	۳۹ درصد	۶۷ درصد
رهبران اسلامی	۶ درصد	۷ درصد	۲ درصد

نظرسنجی‌هایی که پس از فروپاشی رژیم بعث در مثلث سنی نشین و دیگر مناطق عراق به عمل آمد، اثبات می‌کرد که توده سنی به دو بخش فوق‌الذکر تقسیم شده بودند. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که توده عراقی واقعاً به مثلث نشینی محدود شده بود. همچنین همین توده سنی نیز علیرغم تلاش‌های حکومت بعثی برای شکل دهی به انگیزه‌ها و نگرش‌ها به دو گروه تقسیم شده که حداقل ۳۵ درصد از توده نسبت به تداوم حکومت صدام بی‌اعتنا بوده‌اند، زیرا اگر این گونه نبود باید تمام اعضای جامعه توده ای عراق سیستم سیاسی با رهبری قدرتمند را برای دولت آینده عراق ترجیح می‌دادند. (۲۳)

چهاردهم جنگ، احساس بدبینی، کسالت و ناراحتی عمومی جامعه عراق را دربرگرفت. حتی آدونیس، شاعر سوری مقیم پاریس شعری را با نام سلام بر بغداد منتشر کرد که شکست قطعی اعراب و خفت آنان از جنگ را حکایت می‌کرد. (۲۵)

درک عمق مشکلات، ناکارآمدی و ضعف رژیم بعثی، فروپاشی هویت توده ای، مخاطبان را به بروز رفتارهای مورد نظر مجری عملیات روانی، ترغیب کرد و همین مساله، هدف نیروهای ائتلاف یعنی سرنگونی رژیم صدام در کوتاه مدت را تحقق بخشید.

بر این اساس، عملیات روانی علیه عراق موفقیت آمیز بوده؛ هرچند برخی معتقدند عملیات مزبور تنها در سطح تاکتیکی نتایج مثبتی را در برداشته است به عنوان مثال، آنتونی کوردزمن، پس از بررسی عملیات روانی نیروهای آمریکایی و بریتانیایی در عراق می‌نویسد:

«ایالات متحده و بریتانیا درس‌های دردناکی درباره ابعاد روانی و سیاسی جنگ گرفتند، به نظر می‌رسد تلاش‌های تاکتیکی آن‌ها در سطح روانی «عملیات روانی» موفقیت‌های مهمی را در بر داشته است؛ اما در عین حال، ایالات متحده بریتانیا در اداره مبارزه سیاسی، روانی در سطح استراتژیک و تحکیمی شکست خوردند.» (۲۶)

فرایند عملیات روانی در عراق هر چند با

چالش‌هایی از جانب ضد عملیات روانی عراق مواجه شد، اما اقدامات مذکور نتوانست تاثیرگذاری عملیات نیروهای ائتلاف را کاهش دهد. اقدامات سعیدالصحاف و وزیر اطلاع‌رسانی رژیم صدام موفقیت‌های اولیه و کوچکی در به چالش کشیدن شبکه‌های معتبر بین‌المللی همچون بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان داشت؛ اما پخش پنج هزار رادیوی جیبی رایگان در میان مردم برای حفظ ارتباط با مسئولان رژیم، حضور صدام در خیابانهای شهر بغداد و در آغوش کشیدن کودکان که در تلویزیون ملی عراق به نمایش در آمد، خود به عاملی در جهت تشدید عملیات روانی نیروهای ائتلاف مبدل گردید.

رادیوهای مزبور، پیام‌های رادیویی ایالات متحده را به بخش کثیری از نظامیان و مردم عادی که پیش از آن به دلیل نداشتن گیرنده تحت پوشش عملیات نبودند، منتقل کرد و شایعه بدلی بودن صدام حاضر در خیابان‌های شهر بغداد، روحیه مخاطبان را ضعیف تر از گذشته کرد. در طول جنگ، شبکه‌های ماهواره‌ای، مراحل مختلف جنگ را گزارش داده و بر تسریع فروپاشی مقاومت ارتش عراق تأکید کردند، وقتی والتر راجرز خبرنگار پر آوازه سی‌ان‌ان گزارش می‌داد بعد از سیزده ساعت پیشروی به سوی شمال عراق، آن هم سوار بر تانک با هیچ خطری مواجه نشده، در واقع می‌خواست فروپاشی دفاع عراق و تسلیم شدن به نیروهای ائتلاف در روزهای آغازین نبرد گوشزد

می‌کرد.<sup>(۲۷)</sup> در این راستا رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده پس از پایان جنگ گفته بود: «واقعیت این است که تعدادی از سربازان عراقی شامل هشت هزار نفر تنها پس از دور روز از شروع جنگ خود را تسلیم کرده‌اند، این مسأله در نتیجه ارسال پیام‌های روانی بودند که واحدهای جنگ روانی ما برای منصرف کردن نیروهای دشمن به محیط آنها ارسال کرده بودند.»<sup>(۲۸)</sup>

هم چنین به گفته برخی از افسران پیشین ارتش و گارد ریاست جمهوری عراق، نیروهای نظامی از قطعی بودن شکست در برابر نیروهای ائتلاف مطلع بوده و حتی به صدام پیشنهاد خروج از عراق را داده بودند. ناامیدی و سرخوردگی در شخص صدام نیز تثبیت شده بود وی تنها پس از پنج روز از آغاز جنگ به یکی فرماندهان خود از بی فایده بودن نبرد مقاومت سخن گفته بود. یکی از این افسران می‌گوید:

«روحیه عدم مقاومت و حتمی بودن شکست به قدری شایعه شده بود که وقتی در مراسم تشییع جنازه سربازان بودیم، عزاداران از فرماندهان حاضر می‌پرسیدند که شرایط در جبهه چگونه است، آنان بلافاصله پاسخ می‌دادند: می‌بازیم و باید، پست‌های خود را ترک کنیم.»<sup>(۲۹)</sup>

سرهنگ حسن قبانی ۴۶ ساله فرمانده تیپ تانک‌های گارد ریاست جمهوری در جایی جنگ را اینگونه تشریح می‌کند:

«۱۲ روز از جنگ می‌گذشت و ژنرال‌های آمریکایی در انتظار نبردهای سنگین با نیروهای گارد بودند که من ارتباطم را با فرماندهی از دست دادم. سربازانم نیز بواسطه جنگ‌های روانی که سوم آوریل» روز رسیدن به محدوده بغداد» آغاز شده بود، روحیه خود را از دست داده بودند، یک روز قبل از آنکه تانک‌هایشان توسط آمریکایی‌ها منهدم شود از صحنه جنگ متواری شده بودند، چرا که همه متوجه شده بودند که ما شکست می‌خوریم.»<sup>(۳۰)</sup>

شواهد دیگری نیز گفته حسن قبانی را تایید می‌کند بسیاری از افسران عراقی معتقدند در آغاز بمباران مواضع گارد ریاست جمهوری عراق از سوی نیروی هوایی ایالات متحده بسیاری از افسران ارشد نیروهای تحت امر خود را ترک کرده و گریخته بودند، پس از این فرار بود نیروهای جز، بطور دسته جمعی ترک خدمت کردند.<sup>(۳۱)</sup>

استفن بیکر از تحلیل‌گران و ارشد وزارت دفاع معتقد است، عملیات روانی در نخستین روزهای جنگ به ویژه در مورد نیروی زمینی عراق تأثیرات عمیقی داشته است.<sup>(۳۲)</sup>

مایکل رگا از اعضای واحد ذخیره عملیات روانی وقتی به همراه گردان ۳۰۳ وارد بغداد شد تا پیام‌های عملیات روانی ایالات متحده در بغداد اشغال شده بصورت چهره به چهره به مردم برساند، معتقد است که استقبال گرم مردم

از وی به عنوان سمبل امیدواری و اتحاد ، نمایانگر موفقیت‌های عملیات روانی نیروهای ائتلاف در جنگ خلیج فارس است. (۳۳)

### پانوشت‌ها

۱۷. محمد حسین الباسی. 'متقاعد سازی در تئوری و عمل'، نشریه علمی - پژوهشی عملیات روانی، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۳، ص ۹.
۱۸. همان، ص ۱۰.
۱۹. محمد حسین الباسی. 'تاثیر و نقش هیجان‌ها در جنگ روانی'، نشریه علمی - پژوهشی عملیات روانی، شماره اول، بهار ۱۳۸۲، ص ۶۶.
۲۰. محمد حسین الباسی. 'متقاعد سازی در تئوری و عمل'، پیشین، صص ۱۳-۱۲.

21. Anthony Cordesman. "Iraq and Conflict Termination The Road to Gurrilla War", Cited in [www.csis.org](http://www.csis.org)
22. Stephanie Ho. "Payops in IRAQ", cited: [www.iraqcrisisbulletin.com](http://www.iraqcrisisbulletin.com)
23. Anthony Cordesman "Hostage, Murders, Desecrated", cited in: [www.csis.org](http://www.csis.org)  
به نقل از بی بی سی، ۱۳۸۲/۷/۱۵.
۲۴. پایگاه اینترنتی [www.targetiraq.persianblog.com](http://www.targetiraq.persianblog.com).
۲۵. پرویز امام زاده، پیشین، ص ۲۰.
26. Anthony Cordesman, "Iraq Conflict Termination The road to Guerrolla war?" Cited in: [www.csis.org](http://www.csis.org)
۲۷. پرویز امام زاده، 'عملیات روانی نیروهای آمریکا در جنگ سوم خلیج فارس'، فصل نامه عملیات روانی، شماره ۳، پاییز ۸۲، ص ۱۲.
28. Jean Marbella, "A Battle Waged on IRAQ's Airwares", cited in: [www.baltimoresun.com](http://www.baltimoresun.com)
۲۹. نقش جاسوسان دو جانبه در سرنگونی صدام، ترجمه رضا سادات، روزنامه شرق، شماره ۶۳، ۸۲/۸/۱۹
۳۰. اسرار فروپاشی ارتش عراق، ترجمه فاضل قاسمی، روزنامه یاس نو، شماره ۱۵۸، ۸۲/۶/۲۴
۳۱. نقش جاسوسان، همان
32. Marttthew French. DoD Aims Psyops at Iraq", cited in: [www.fcw.com](http://www.fcw.com)
33. Jan Ackerman, "Psyops units Tells Iraq, US is their Friends. cited in: [www.post-gazett.com](http://www.post-gazett.com)

۱. نقش جاسوسان دو جانبه در سرنگونی صدام، ترجمه رضا سادات، روزنامه شرق، شماره ۶۳، ۸۲/۸/۱۹، ص ۸.
۲. پرویز امام زاده فرد. 'عملیات روانی آمریکا در جنگ سوم خلیج فارس در سال ۲۰۰۳'. نشریه علمی - پژوهشی عملیات روانی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۲، ص ۹.
۳. سمیر خلیل، جمهوری وحشت، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۰، صص ۷۱-۷۲.
۴. گوستاولوبون، روان شناسی توده‌ها، ترجمه کیومرث خواجه‌ای‌ها، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۶۳، ص ۴۵.
۵. نیرا چاندوک، جامعه مدنی و دولت، چاپ اول، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکزی، ۱۳۵۷، ص ۳۲.
۶. سید مرتضی مردی‌ها، دفاع از عقلانیت، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸.
۷. ویلفرد روریش، سیاست به مثابه علم، چاپ اول، ترجمه یحیی صلاحی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲، صص ۸-۲۸۷.
۸. حسین بشریه، جامعه شناسی سیاسی، چاپ چهارم، تهران: نشرنی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۶.
۹. همان، ص ۳۳۷.
۱۰. همان، ص ۳۳۶.
۱۱. عزت مصلی نژاد. علل و ماهیت جنگ ایران و عراق، پایگاه اینترنتی: [www.Voanews.com.Persian](http://www.Voanews.com.Persian)

12. Ibrahim Al-Marsani. "Saddam's Security and Intelligence Network", cited in: [www.cns.miis.edu](http://www.cns.miis.edu)
۱۳. سمیر خلیل، پیشین، ص ۱۰۴.
۱۴. علی فهیم دانش، عملیات روانی ایالات متحده علیه عراق در جنگ دوم خلیج فارس، اداره تبلیغات دفاعی، معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۸۲ (گزارش منتشر نشده).
۱۵. سمیر خلیل، پیشین، ص ۱۶۹.
۱۶. همان، ص ۴۲۸.